

Social Capital Sustainable Development Methods Based on the Stabilization of Religious Culture Foundations From Childhood

Ahmad Saberimajd¹, Mohamad Adibimehr^{2*}, Hasan Zareiematin³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

3. Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: May 12, 2020; Accepted: September 27, 2020)

Abstract

Addressing the issue of cultural values as a type of social capital is one of the most fundamental national and international issues. These cultural values require investment and strengthening of the foundations of religious culture in religious societies. The best time to stabilize a religious culture and turn it into an appropriate social capital is childhood (from birthday to 14 years old). This period is a very good opportunity to stabilize cultural and social norms and values. Meanwhile, by stabilizing a religious culture in childhood, religious teachings can provide up-to-date methods to achieve social capital sustainable development. The present study was descriptive-analytical in terms of the nature of the research and fundamental in terms of the type of research. For this purpose, all relevant information was collected through library and document analysis instruments and was analyzed using qualitative and rational analysis methods. The obtained results revealed that religious teachings offer five methods based on innate disposition in order to establish the religious culture of childhood, namely the provision of a role model (modeling, de-modeling), the provision of spiritual reward by parents that leads to emotional-social development, the introduction of non-corporal punishment considering educational goals, the use of control measures to stabilize the process of social education and social non-deviation via the development of the concept of controller, and the provision of social skills training that includes altruism, observing others' rights, faithfulness, humility, tolerance, honesty, modesty and chastity.

Keywords

Social capital, Sustainable development, Religious culture, Childhood, Social education.

* Corresponding Author, Email: madiby@ut.ac.ir

روش‌های توسعه پایدار سرمایه اجتماعی بر مبنای تثبیت زیرساخت‌های فرهنگ دینی از دوران کودکی

احمد صابری مجد^۱، محمد ادیبی مهر^{۲*}، حسن زارعی‌متین^۳

۱. دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. دانشیار، فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۳. استاد، دانشکده مدیریت، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶)

چکیده

مقدمه: بررسی موضوع ارزش‌های فرهنگی به منزله سرمایه‌های اجتماعی از مسائل مهم ملی و فراملی به حساب می‌آید. این ارزش‌های فرهنگی در جوامع دینی نیازمند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیان‌های فرهنگ دینی است. بهترین دوران برای تثبیت فرهنگ دینی و تبدیل آن به سرمایه اجتماعی مطلوب دوران کودکی (آغاز تولد تا چهارده‌سالگی) است. این دوران فرصتی بسیار مناسب برای تثبیت هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی است. در این میان آموزه‌های دینی برای تثبیت فرهنگ دینی در دوران کودکی قابلیت ارائه روش‌های روزآمد را دارد تا به وسیله آن توسعه پایدار سرمایه اجتماعی محقق شود. **روش تحقیق:** پژوهش حاضر به اعتبار ماهیت پژوهشی توصیفی-تحلیلی است و به لحاظ نوع پژوهش بنیادی به شمار می‌آید. از این رو، همه اطلاعات مرتبط با موضوع با ابزارهای سنجش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شد و سپس روش تجزیه و تحلیل کیفی و عقلی به کار رفت. **نتایج:** آموزه‌های دینی برای تثبیت فرهنگ دینی در دوران کودکی پنج شیوه را مبتنی بر فطرت ارائه می‌دهد: شیوه ارائه الگو (الگودهی، الگودایی)، شیوه پاداش معنوی از سوی والدین که منجر به رشد عاطفی-اجتماعی می‌شود، شیوه تنبیه غیربدنی با در نظر گرفتن اهداف تربیتی، شیوه کنترل‌مداری برای تثبیت فرایند تربیت اجتماعی و عدم انحراف اجتماعی با توسعه در مفهوم کنترلگر، شیوه آموزش مهارت‌های اجتماعی (شامل نوع دوستی، رعایت حقوق دیگران، وفای به عهد، فروتنی، بردباری، راستگویی، حیا و عفاف).

کلیدواژگان

تربیت اجتماعی، توسعه پایدار، دوران کودکی، سرمایه اجتماعی، فرهنگ دینی.

مقدمه

توسعه در جهان امروز از موضوعات مهم بین‌المللی و داخلی کشورهاست و هر کشوری بسته به جایگاهش در فرایند توسعه با مسائل و مشکلاتی مواجه است که برای حل آن همت می‌گمارد. بنابراین، توسعه پدیده‌ای فراگیر و جریان‌ی عمومی است که از کشورهای موصوف به جهان سوم گرفته تا کشورهای پیشرفته با آن درگیرند. امروزه سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار توسعه پایدار محسوب می‌شود. از این رو از نظر بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی و برنامه‌ریزان راهبردی در فرض نبود سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود. برای دستیابی به توسعه پایدار سرمایه اجتماعی نهادهای گوناگونی نقش دارند که یکی از آن‌ها فرهنگ است (Yamaguchi 2013: 60). فرهنگ ماهیتی دوسویه دارد؛ قابل یادگیری و یاددهی است (خاکباز ۱۳۹۱: ۲). نیز عامل اصلی و برانگیزاننده همه فعالیت‌ها به شمار می‌رود (ملکی ۱۳۹۴: ۲۲). جامعه‌شناسان بر اساس تحقیقات خود روش‌های تربیت فرهنگی را عاملی مؤثر در فرایند جامعه‌پذیری معرفی کرده‌اند و آن را به منزله سرمایه‌ای اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند (تاجبخش ۱۳۸۹: ۴۴). در تحقیقات دیگری نیز موفقیت در توسعه پایدار سرمایه اجتماعی منوط به تربیت فرهنگی و ارائه شیوه‌های آموزشی دانسته شده است (شارع‌پور ۱۳۹۴: ۲۸۵). برای تثبیت فرهنگ دینی به منزله سرمایه‌ای اجتماعی، بهترین دوران دوران کودکی است. زیرا این دوران زمان و فرصتی بسیار مناسب برای انواع یادگیری‌های اجتماعی است. در این دوران است که می‌توان هنجارها و ارزش‌ها را نهادینه و روند تثبیت ساختارهای فرهنگی یک تمدن را پایه‌ریزی کرد. دورکیم بر اساس تحقیقات خود اعلام کرده است تربیت و فرهنگ‌پذیری در کودک برانگیختن یک رشته حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی است که مختص به اوست و او را برای زندگی در محیط و جامعه آماده می‌سازد (قاسم‌زادگان ۱۳۹۰: ۴۶). اتحادیه بین‌المللی پرورش نو تربیت و فرهنگ‌سازی کودکان را فراهم کردن رشد و زمینه‌سازی بروز توانایی‌های آن‌ها دانسته و نقش تربیت از کودکی را به منزله یکی از عوامل تعیین‌کننده تحول اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است (قاسم‌زادگان ۱۳۹۰: ۴۶).

اسلام، در مقام دین کامل، آیین الهی زندگی انسان است و باید از آموزه‌های اسلام به مثابه منبعی ارزشمند و کارآمد برای استخراج و تبیین مفاهیم و مراحل و روش‌های کاربردی تربیت استفاده کرد. تقویت فرهنگ دینی برای جامعه کنونی از اهمیتی مضاعف برخوردار است. زیرا اولاً فرهنگ و سنت این سرزمین با اسلام عجین شده و رنگ‌وبوی دینی گرفته و ایجاد بنیان‌های جدید فرهنگی و تثبیت آن به منزله سرمایه‌ای اجتماعی در توسعه پایدار نقشی بسزا دارد، ثانیاً حکومت ایران بر مبنای اصول و معیارهای اسلام بنا شده و در سیاست‌گذاری باید مطابق ارزش‌ها و دستورهای دینی عمل کرد. در دنیای امروز، با توجه به پیچیدگی‌ها و تحولات روزافزون، پرورش و تربیت فرهنگی کودکان برای نقش‌پذیری در جامعه با چالش‌های فراوان مواجه شده است. عدم توانایی نقش‌پذیری افراد، عدم تطابق با هنجارهای ملی و مذهبی، و همچنین بروز ناهنجاری‌های اجتماعی همانند پرخاشگری و بی‌مسئولیتی در قبال حقوق دیگران و تخریب اموال عمومی از دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان آموزش و نظام حاکم بوده است (کاظمی ۱۳۸۹: ۳۹۷). علاوه بر آن یکی از مفاهیم مهم و سیاست‌های ده‌ساله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شیوه‌های تقویت فرهنگ دینی بر اساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ است (کانون پرورش فکری ۱۳۹۴). روش تحقیق در این نوشتار توصیفی-تحلیلی و ابزار مورد استفاده فیش‌برداری و منابع کتابخانه‌ای بود.

اهداف و سوالات پژوهش

توسعه پایدار فرایندی است که تحقق آن مستلزم سرمایه اجتماعی است که در بستر فرهنگی مناسب و مساعد پدید می‌آید تا باورها و اعتقادات جامعه را با مبانی توسعه هم‌سو و هم‌ساز کند. این سرمایه اجتماعی در فرهنگ دینی از کودکی قابل دست‌یابی است و در این دوره است که هنجارهای فرهنگی تثبیت می‌شود و می‌تواند به مثابه سرمایه‌ای اجتماعی نقش خود را ایفا کند. برای رسیدن به این مهم اتخاذ رویکردها و روش‌ها مهم است. بر این اساس، این پژوهش به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که روش‌های تثبیت زیرساخت‌های فرهنگ دینی از دوران کودکی (آغاز تولد تا چهارده‌سالگی) به منزله توسعه پایدار سرمایه اجتماعی چیست؟

پیشینه نظری پژوهش

هاشمی و همکارانش در پژوهشی، با عنوان «تأثیر فرهنگ در برنامه‌ریزی درسی»، که در سال ۱۳۹۸ به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام دادند، به رابطه فرهنگ دینی و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های آموزشی و تعلیم و تربیت به دلیل ارتباطی که با عوامل اجتماعی و فرهنگی دارند باید بر اساس فرهنگ دینی و تعلیم و تربیت اسلامی باشند.

منوچهری و فراهانی در پژوهشی، با عنوان «جغرافیا و توسعه پایدار؛ تحقق توسعه پایدار؛ اهمیت آموزش و پرورش (آموزش توسعه‌ای)»، که از نوع بنیادی-کاربردی بود و با رویکرد توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۵ انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی معطوف به آموزش و پرورش باکیفیت است.

رجبی و احمدی نیاسر در پژوهشی، با عنوان «تهدیدات تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای قرآنی و روایی»، که به صورت توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۷ انجام دادند، به آسیب‌های تربیت دینی در دوران کودکی پرداختند و عواملی همچون وراثت، محیط، منابع و محتوای تربیتی را در تربیت دینی مؤثر معرفی کردند و به این نتیجه رسیدند که می‌توان با اتخاذ سه شیوه کودکان را بر اساس مبانی دینی تربیت کرد: ۱. شیوه‌های زمینه‌ساز، مانند تغذیه حلال و ...؛ ۲. شیوه‌های ایجابی، مانند محبت و ...؛ ۳. شیوه‌های اصلاحی، مانند پرهیز از عیب‌جویی کودکان و ...

روش و ابزار تحقیق

پژوهش حاضر به اعتبار ماهیت پژوهشی توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نوع پژوهش بنیادی به شمار می‌آید. به این منظور همه اطلاعات مرتبط با موضوع با ابزارهای سنجش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شد و سپس روش تجزیه و تحلیل کیفی و عقلی به کار رفت.

پیشینه تحقیق

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی در جامعه‌شناسی است که در تجارت، اقتصاد، علوم انسانی، و بهداشت عمومی جهت اشاره به ارتباطات درون‌گروهی و بین‌گروهی از آن استفاده می‌شود. اگرچه تعاریف

مختلفی برای این مفهوم وجود دارد، در کل، سرمایه اجتماعی به نوعی علاج همه مشکلات جامعه مدرن تلقی شده است (Portes 1998: 15). سرمایه اجتماعی، علاوه بر بالا بردن کیفیت سطح زندگی، شیوه‌ای است برای افزایش سطح رفاه اجتماعی در جامعه (Seunghwan & Hyugjun 2016: 2). یکی از ابزارهایی که کنشگران برای رسیدن به اهداف خود در جامعه استفاده می‌کنند روابط اجتماعی است. کنشگران با استفاده از روابط اجتماعی کنش‌های خود را گسترش می‌دهند و فعالیت‌های ارتباطی خود را سرعت می‌بخشند و باعث نفوذ بیشتر در جامعه می‌شوند. نظریه معاصر اجتماعی برای توصیف این روابط گسترده و کیفیت آن‌ها از اصطلاح سرمایه اجتماعی استفاده کرده است. دیدگاه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی بسیار وسیع‌اند. کلمن سازمان اجتماعی را پدیدآورنده سرمایه اجتماعی می‌داند و سرمایه اجتماعی را بر حسب کارکرد آن تعریف می‌کند. وی سرمایه اجتماعی را نه یک شیء واحد، بلکه تشکیل شده از انواع پدیده‌های گوناگون معرفی می‌کند که دو خصوصیت بارز در آن است؛ یکی اینکه جنبه‌ای از ساخت اجتماعی است و دیگر اینکه کنش‌های مشخص افراد را درون ساختار تسهیل می‌کند (کلمن ۱۳۷۷: ۱۴۴). فوکویاما نیز در سطح کلان و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی به بررسی سرمایه اجتماعی می‌پردازد. وی سرمایه اجتماعی را دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند. از نظر او سرمایه اجتماعی متشکل از دسته‌ای از هنجارها با ارزش‌های غیررسمی است که هر یک از افراد این دسته با همکاری بین خود سهمی را ایفا می‌کند. وی نیز بر هنجارهای همیاری به منزله شالوده سرمایه اجتماعی بسیار تأکید می‌ورزد (فوکویاما ۱۳۷۹: ۱۹). بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده آنچه به نظر می‌رسد تعریف متغیر سرمایه اجتماعی از مجموعه‌ای از هنجارهای باارزش یک جامعه است.

دین اسلام و سرمایه اجتماعی

دین اسلام فقط به ابعاد زندگی فردی و خصوصی انسان نمی‌پردازد، بلکه به ابعاد اجتماعی و سیاسی زندگی آدمی نیز توجه می‌کند. با مراجعه به متون دینی و سیره رهبران مذهبی و دیدگاه اندیشمندان درمی‌یابیم که دین اسلام به ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی نظر دارد. البته گام نخستین برای بررسی حضور دین در اجتماع توجه بیشتر به حجم تعالیم فردی و اجتماعی دین در ارتباط با ابعاد فردی وجود انسان است. امام خمینی^(ره) در این زمینه می‌فرماید: «نسبت اجتماعات

قرآن به آیات عبادی آن از نسبت صد به یک بیشتر است. از کتب حدیثی که حدود پنجاه کتاب است سه یا چهار کتاب مربوط به عبادت است. مقداری هم مربوط به اخلاقیات است. بقیه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، سیاست، و جامعه است.» (خمینی ۱۳۷۸: ۱۱).

بعد اجتماعی از نظر اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته و آموزه‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد. پرداخت خمس، زکات، صدقه، صلۀ رحم، و توجه به همسایگان از نمونه‌های این توجه است. همچنین عبادت‌هایی همچون نماز جمعه، نماز جماعت، حج، تأکید بر اجرای مناسک به صورت دسته‌جمعی از این موارد است. با دقت در این آموزه‌ها می‌توان دریافت که نگاه اسلام به مسائل اجتماعی به منزله یک سرمایه اجتماعی است که سعی بر تقویت آن دارد. حضرت رسول (ص) در این مورد می‌فرماید: «کسی که صبح را آغاز کند و به امور مسلمین بی‌اهمیت باشد از ما نیست.» (حرعاملی ۱۳۷۲: ۵۵۹). از آیات و احادیث فراوان در خصوص حق همسایه و حق مسلمان بر گردن مسلمانان دیگر و لزوم امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آید که همگی نشان‌دهنده تأکید اسلام بر امر جمعی و رسیدگی به امور دیگران است. آموزه‌های اسلامی سفارش‌کننده آن چیزی است که امروزه تحت عنوان سرمایه اجتماعی مطرح می‌شود. فعالیت دینی و مراکز مذهبی چون مساجد با ارائه خدمات به مردم، ایجاد وحدت و همبستگی بین آن‌ها، کمک به تربیت و آموزش فرزندان و خانواده‌ها، اطلاع‌رسانی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه و رواج اعتماد بین مردم کمک می‌کنند.

اگر به شاخص‌های سرمایه اجتماعی از نظر کلمن توجه کنیم درمی‌یابیم که بسیاری از این شاخص‌ها با سفارش‌ها و تأکیدات اسلام در رفتار با دیگران همخوانی دارد. کلمن یکی از اجزای سرمایه اجتماعی را تعهدات و انتظارات می‌داند و به برگه‌های اعتباری اشاره دارد که افراد در ازای خدمتی که به دیگران کرده‌اند در دست دارند تا در مواقع لزوم از آن استفاده کنند و در مقابل خدمتی از آن‌ها بگیرند. اما در اسلام تأکید بر این است که ما به دیگران خدمت کنیم و پاداش آن را از خداوند بگیریم. کلمن می‌گوید هر چه از این برگه‌های اعتباری درج‌شده در دست افراد بیشتر باشد سرمایه اجتماعی بیشتر است. پس می‌توان گفت اگر طبق دستور اسلام عمل شود، سرمایه اجتماعی نزد مسلمانان بسیار زیاد است. شکل دیگری از سرمایه از نظر کلمن هنجارهاست

که افراد را وادار می‌کند برای منافع عموم فعالیت کنند (کلمن ۱۳۷۷: ۴۷۵). حس همکاری و ایجاد اعتماد میان تک‌تک افراد جامعه به طور منسجم از دیگر فواید سرمایه اجتماعی است (کریمی و همکاران ۱۳۹۸: ۲).

توسعه فرهنگ دینی

توسعه از مسائل بسیار مهم نیمه دوم قرن بیستم و از اشتغالات فکری اساسی محققان و دولت‌مردان در این دوران محسوب می‌شود (سریع‌القلم ۱۳۶۹: ۸ و ۹). توسعه، به منزله یک مفهوم متعالی، دستاورد بشری و پدیده‌ای چندبعدی است و فی‌نفسه یک مسلک به حساب می‌آید. توسعه به دلیل اینکه دستاورد انسان محسوب می‌شود در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین، توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است. بر اساس این تعریف، طبعاً توسعه از مقوله امور فرهنگی به شمار می‌آید (نظریور ۱۳۷۸: ۶) و پایدار بودن فرهنگ به معنای ایستایی آن نیست، بلکه منظور پویا بودن فرهنگ است (Bossel 2001: 4).

توسعه پایدار^۱، که از دهه ۱۹۹۰ بر آن تأکید شد، جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با نسل‌های آینده است و هدف آن پرورش قابلیت‌های انسانی است. توسعه پایدار، به مثابه یک فرایند، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل و متناسب و هماهنگ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی همه جوامع و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه باشد (ازکیا ۱۳۹۴: ۴۰؛ ضرابی و همکاران ۱۳۸۰: ۵۹).

برای فرهنگ^۲ تعاریف گوناگون و متعدد و در مواردی متعارض ارائه شده است. گاه فرهنگ در یک معنای وسیع، که مترادف با تمدن است، به کار می‌رود و شامل محصول تلاش فکری و عملی انسان می‌شود و گاه در معنایی در برابر تمدن استفاده می‌شود و منظور از آن محصولات غیر ملموس انسان است؛ از قبیل هنر، ادبیات، آرا و عقاید فلسفی و اقتصادی، و ... (Herskovits 2011: 3). اما، در این نوشتار منظور از فرهنگ همان است که انسان‌شناسان از آن به منزله عامل تعیین‌کننده و اصلی

1. Sustainable development

2. culture

رفتار آدمی نام می‌برند (مونتی‌پالمر و همکاران ۱۳۶۷: ۱۰) که از همین زاویه تعاریف بسیاری برای تبیین واژه فرهنگ ارائه شده و از مجموع همه این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت فرهنگ مجموعه ارزش‌ها و هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه است که اولاً برخوردار از وحدت تألیف باشد، ثانیاً در سطح جامعه نسبتاً عمومیت پیدا کند و اکثریت مردم آن‌ها را بپذیرند، ثالثاً برای اعتقاد پیدا کردن به این باورها به روش استدلالی عمل نشود (عظیمی ۱۳۷۰: ۹۸). بنابراین، فرهنگ آن نظام اعتقادی مشترک میان افراد یک قوم است که مبنای عمل آن‌ها در نظام اجتماعی قرار می‌گیرد و فرهنگ دینی مجموعه تلاش‌های صورت‌گرفته برای فهم دین است که منتج به شبکه‌ای از اعتقادات، باورها، خواسته‌ها، گرایش‌ها، هنجارها، و ارزش‌ها می‌شود (مطهری، بی‌تا: ۷۰).

یونسکو توسعه فرهنگی را این‌گونه معرفی می‌کند: توسعه و پیشرفت زندگی در یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی به صورتی که با واقعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد. آنچه امروزه نظر غالب محققان است اهمیت و جایگاه ویژه عوامل فرهنگی در فرایند توسعه پایدار است (کریمی ۱۳۷۲: ۴۵). همان‌طور که در تعریف فرهنگ گذشت، منظور آن نظام اعتقادات و باورها و ارزش‌های جامعه است که عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتار آدمی است. در این صورت فرهنگ هم می‌تواند زمینه‌های لازم را برای توسعه فراهم آورد و فرایند آن را تسهیل کند و هم می‌تواند به مثابه مانعی سر راه توسعه باشد (ریچارتی ۱۳۶۷: ۶۶).

در جدیدترین تئوری‌های مدرنیزاسیون، توجه به سنت‌ها مورد تأکید قرار گرفته و از توسعه بدون امعان نظر به سنت‌های انباشته‌شده جامعه نهی شده است. چون جز شکست حاصلی ندارد. دین مربوط به مرحله خاصی از زندگی انسان نیست و دوران آن سپری نشده است. فرهنگ دینی مبتنی بر سنت‌های درست با توسعه به معنای ادامه روند تمدن‌سازی نه تنها تعارض ندارد، بلکه برانگیزاننده توسعه پایدار است. زیرا دین شکل خامی از جامعه را به لحاظ مادی ترسیم نمی‌کند (مطهری ۱۳۷۰: ۱۱۹) و با هر شکلی از روابط اجتماعی حاصل از زندگی جمعی، اعم از شبنانی یا کشاورزی یا صنعتی یا ... سازگار و قابل انطباق است. خداوند اسلام را بر مبنای فطرت آدمی قرار داده است. یکی از نیازهای مهم بشر، که فطری است، نیاز مادی است که بتواند به وسیله آن به تکامل روحی و معنوی برسد که این نیاز بر اساس توسعه پایدار محقق می‌شود (مصباح‌یزدی ۱۳۹۰: ۱۳۷). بنابراین،

توسعه فرهنگی به معنای کنار گذاشتن سنت‌های گذشته نیست. چون سنت‌ها مجموعه‌ای از تجربه‌های یک جامعه است که از مترکم شدن عناصر فرهنگی شکل می‌گیرد و توسعه فرهنگی به معنای رشد و گسترش آن است. فرهنگ دینی، که بر مبنای انباشت تجربه‌های جامعه دین‌دار به وجود آمده است، می‌تواند توسعه پیدا کند و بر اساس نیازهای نو بازسازی شود و کنترل مؤثری بر محیط اجتماعی اعمال کند (توسلی ۱۳۹۸: ۴۳۸؛ ازکیا و غفاری ۱۳۹۵: ۴۸).

کودک

اولین مرحله زندگی انسان پس از متولد شدن دوران شیرخوارگی است. رشد جسمی و بیولوژیک کودک در این دوره از اهمیت فراوان برخوردار است. پس از این دوره وارد دوره طفولیت می‌شود که از آن به دوران کودکی یاد می‌شود. دوران کودکی بر اساس نظر روان‌شناسان به دو دوران آغازین و میانه تقسیم می‌شود. دوران آغازین از هنگام تولد تا هفت‌سالگی را دربرمی‌گیرد که در این دوران تربیت او در کانون خانواده و مهد و پیش‌دبستان صورت می‌پذیرد و دوران میانه از هفت‌سالگی تا حدود دوازده سیزده سالگی را شامل می‌شود که دوران بلوغ کودک است. در این مرحله است که فرایند اجتماعی شدن کودک شکل می‌پذیرد و این فرایند متأثر از فرهنگ خاص آن اجتماع است. نوع نگاه به کودکان از منظر فرهنگی و اجتماعی و فرهنگ‌پذیری آن‌ها با توجه به سرمایه‌های اجتماعی‌شان اهمیت این دوره را دوچندان می‌کند. در این مرحله رویکردهای هر فرهنگ در ایجاد ساختارهای فهم و درک کودک متفاوت است (Collins 2019: 3). رویکرد برخی از فرهنگ‌ها مانع رشد درک و شعور کودک می‌شود و باعث می‌شود کودک نتواند در مرحله بعدی زندگی خود، که دوران نوجوانی است، شکوفا شود. رشد و بالندگی کودک در این مرحله در مقام یک موجود انسانی مبتنی بر رعایت خصوصیات اجتماعی و فرهنگی است. در این دوره، کودک یکی از اجزای سرمایه اجتماعی است و برای تقویت بنیان فرهنگ که همان هنجارها و روش‌هاست می‌توان از کودکی زمینه لازم را برای توسعه سرمایه‌های اجتماعی به وجود آورد (رضایی اصفهانی ۱۳۹۳: ۳۷). هنگامی که کودک به سوی این هنجارها برود و نظام اعتقادات و باورها و ارزش‌های جامعه شکل بگیرد و عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتار آدمی شود، فرهنگ هم می‌تواند زمینه‌های لازم را برای توسعه فراهم آورد و فرایند آن را تسهیل کند (عبدلی ۱۳۸۹: ۱۰۵).

کودک از دیدگاه اسلام

بر اساس آیات قرآن شروع دوره کودکی از زمان بسته شدن نطفه است (حج/ ۵؛ مؤمنون/ ۱۴؛ نور/ ۵۹). قرآن کریم برای پایان این دوره سه تعبیر به کار برده است: بلوغ الحلم، بلوغ النکاح، بلوغ أشد (نور/ ۵۹؛ کهف/ ۸۲؛ حج/ ۵؛ فساء/ ۶؛ انعام/ ۱۵۲؛ یوسف/ ۲۲؛ اسراء/ ۲۴؛ احقاف/ ۱۵؛ نمل/ ۶۶). با توجه به این تعبیرات می‌توان گفت قرآن سن مشخصی را برای پایان این دوران ذکر نکرده است. اما، در موضوع پایان کودکی، بلوغ و رشد جسمی و عقلی را نشانه پایان این دوره دانسته است. در روایات نیز به سن خاصی از کودکی اشاره نشده است و مراحل تربیت کودک سه مرحله معرفی شده است. مثلاً بر اساس تعبیر پیامبر^(ص) هفت سال اول مرحله سیادت کودک، هفت سال دوم مرحله فرمان برداری و تعلیم پذیری کودک، هفت سال سوم مرحله نظرخواهی از کودک و مشورت با اوست (حرعاملی ۱۳۷۲: ۴۷۷). بر اساس تحلیل آیات و روایات می‌توان گفت دوران کودکی قبل از سن بلوغ است که با تولد آغاز می‌شود و تا چهارده سالگی ادامه پیدا می‌کند که این دوران مورد مطالعه در این پژوهش است (حیدری و رضانی ۱۳۹۱: ۴).

یافته‌های تحقیق

انسان‌ها دارای طیف‌های وسیعی از صفات و رفتارهای و شخصیت‌های متفاوت‌اند و از آنجا که روش‌های مندرج در قرآن و روایات موفق‌ترین و کارسازترین روش‌هایی است که برای جامعه انسانی به ارمغان آورده شده است پرداختن به این روش‌ها که باعث تقویت و نهادینه شدن هنجارها و ارزش‌های فرهنگی می‌شود باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

الگودهی و الگوزدایی مبتنی بر فطرت

الگو به معنای نمونه است (عمید ۱۲۵۹: ۱۵۲). در روان‌شناسی اجتماعی به کسی که کودک‌ان از رفتار او تقلید می‌کنند الگو گفته می‌شود و خاستگاهی فرهنگی دارد (ساروخانی ۱۳۹۰: ۶۴۰). بنا بر دیدگاه نظریه پردازان یادگیری، یادگیری اجتماعی از راه مشاهده و تقلید و الگوبرداری انجام می‌پذیرد و پایدارترین نوع یادگیری به حساب می‌آید (اولسون و هرگنهاین ۱۳۹۹: ۹۰). روش الگویی یکی از روش‌های تربیتی است که مبتنی بر فطرت انسانی است (ملکوتی فر ۱۳۸۸: ۹). از آنجا که انسان بنا بر فطرت خود میل به کمال دارد و از نقص منزجر است، اسوه‌ها و الگوها نقش

فراوانی در تربیت و تثبیت جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و عاطفی و اخلاقی کودک دارند. انسان همواره به دنبال مطلوب خود می‌گردد و سعی می‌کند در همه جنبه‌های زندگی خود شبیه او شود. آموزه‌های دینی دو شیوه الگودهی و الگوزدایی را مبتنی بر فطرت آدمی ارائه می‌دهند (دلشاد تهرانی ۱۳۷۹: ۴).

در الگوپردازی، دین اسلام الگوهای مثبت واقعی را به طور صریح معرفی می‌کند یا در ضمن داستان قرآنی الگوسازی می‌کند. نقل داستان‌ها و سرگذشت پیامبران الهی - همچون حضرت نوح^(ع)، ابراهیم^(ع)، یوسف^(ع)، و ... نمونه‌هایی از روش الگودهی ضمنی است. از موارد صریح شیوه الگودهی معرفی حضرت ابراهیم^(ع) و پیامبر^(ص) در مقام الگوست: «به یقین برای شما در ابراهیم و کسانی که همراه اویند الگویی برای پیروی نیکوست.» (ممتحنه / ۴) و «به یقین برای شما در فرستاده خدا الگویی نیکو برای پیروی است.» (أحزاب / ۲۱). امیرالمؤمنین^(ع) در رابطه با الگوگیری از پیامبر^(ص) چنین می‌فرماید: «برای تو کافی است نبی خدا^(ص) را الگوی خود قرار دهی ... پس به پیامبر^(ص) پاک و حسن اقتدا کن.» (تمیمی آمدی ۱۳۶۶: ۳۲۸).

اسلام در کنار الگودهی از روش الگوزدایی که مبتنی بر ترسیم شخصیت‌های منفور و گمراه است بهره می‌جوید؛ طوری که نگرشی منفی در ارتباط با آن‌ها به وجود می‌آورد. قرآن کریم در آیات فراوانی از پیروی از افراد کوردل نهی می‌کند: «ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و قطعاً از آن‌ها پیروی می‌کنیم.» (زخرف / ۲۳). بر اساس بررسی منابع اسلامی می‌توان گفت الگوزدایی به اندازه الگودهی اهمیت دارد: «آگاه باشید ... هرگز باتقوا نخواهید بود، مگر اینکه بی‌تقوایان را بشناسید.» (مجلسی ۱۴۱۰: ۳۶۷).

روش الگویی از روش‌های مهم یادگیری اجتماعی کودک است. دانشمندانی همچون کلبرگ، لینز، و بندورا این روش را مهم‌ترین عامل رشد اجتماعی کودک برشمرده‌اند (Kohlberg 1963: 15; Ellis 1964: 17; Bandura: 1996: 1210).

تحقیقات نشان می‌دهد هفت سال اول زندگی کودک از مراحل مهم شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک است. تقلید و شبیه شدن به الگو اساس یادگیری در این مرحله است که طرز سخن گفتن، راه رفتن، رفتار کردن را از والدین و آشنایان و مربی و معلم خود می‌آموزد و شاکله شخصیت و شالوده وجودی خود را سامان می‌دهد (رضایی اصفهانی ۱۳۹۳: ۲۴۴).

آموزه‌های اسلامی دایره وسیعی را برای تبعیت از الگو قائل است و آن را محدود به کانون خانواده یا مربی و معلم نمی‌داند. دوستان و هم‌بازی‌های کودک تأثیری فراوان و نقشی بسزا در رشد و شکل‌گیری فرهنگ دینی کودک بر عهده دارند. پیامبر^(ص) می‌فرماید: «انسان بر مرام و مذهب و روش دوست و همنشین خود خو می‌گیرد.» (کلینی ۱۳۴۲: ۷۵). ابن سینا بر آن است که آموزش باید به صورت گروهی باشد و بر این موضوع تأکید می‌کند که کودکان از یک‌دیگر الگوبرداری می‌کنند. دانش‌آموز باید با هم‌سالان خود، که اصیل‌اند و به‌نیکی آداب و عادات پسندیده را رعایت می‌کنند، معاشرت کند. زیرا در این شرایط کودک از هم‌سالان خود فرامی‌گیرد و تلاش می‌کند از آن‌ها پیشی بگیرد (پژوهشکده حوزه و دانشگاه ۱۳۸۱: ج ۲، ۷۸).

شیوه الگویی در دوره قبل از دبستان کارآتر است و نقشی مؤثرتر برای نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارها ایفا می‌کند و باعث تثبیت فرهنگی کودک می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلامی، باید الگو و ضدالگو بر اساس درک کودک شکل بپذیرد و کودک به وسیله این نحوه ادراک در زمینه الگو یا ضدالگو بودن والدین و معلمان و دوستان شناخت پیدا کند تا دچار تضاد الگویی نشود. هرچند انسان در همه ادوار زندگی خود همواره در حال تقلید کردن است، در سنین یک‌سالگی تا شش‌سالگی این غریزه شدت بیشتری دارد. علاوه بر این، تقلید در این دوره بدون آگاهی و درک درست صورت می‌گیرد (زارعیان ۱۳۹۰: ۶).

پاداش معنوی

دومین شیوه مؤثر در تربیت و تثبیت فرهنگ اجتماعی و نهادینه کردن هنجارهای فرهنگی کودک با هدف رسیدن به توسعه پایدار سرمایه اجتماعی شیوه تشویق و پاداش‌های معنوی است. به منظور تثبیت یک رفتار و هنجار درست این شیوه در برانگیزاندن شخص برای تکرار آن مورد استفاده قرار می‌گیرد (Renzetti 2012: 78). فطرت هر انسان کمال‌جو و دوست‌دار قدردانی و گرفتن پاداش است و این روش برای تقویت رفتار و نهادینه شدن آن در کودک نقشی بسزا دارد (اناری‌نژاد ۱۳۸۶: ۳). روش پاداش معنوی مبتنی بر ایجاد رغبت و انگیزه در آدمی با به‌کارگیری آدابی موجب شکوفا شدن استعدادها و رشد اجتماعی کودک می‌شود (حیدری و رضانی ۱۳۹۱: ۷).

قرآن کریم به توجه عاطفی (نگاه محبت‌آمیز، لبخند، و هر گونه احساس تأیید در برابر کار

نیک) بسیار تأکید کرده است: «و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین.» (شعراء/ ۲۱۵)؛ و بال عطوفت و فروتنی خود را برای کسانی از مؤمنان که از تو پیروی می‌کنند بگستران. امروزه تحقیقات متعدد روان‌شناسان نیز تأیید می‌کنند که رشد عاطفی- اجتماعی حوزه خاصی از رشد کودک است که باید به آن توجه کافی شود. این رشد یک فرایند تدریجی و تلفیقی است که از طریق آن کودکان توانایی درک و مدیریت احساسات و ایجاد روابط معنادار با دیگران را به دست می‌آورند. این نیاز عاطفی می‌تواند به وسیلهٔ مربیان و پدر و مادر برآورده شود و هنگام موفقیت به مثابه پاداش‌های معنوی به کودکان داده شود (Darling 2020: 30).

آموزه‌های اسلامی نیز پیش از همه بر لزوم رشد عاطفی کودک سفارش می‌کند. در سیرهٔ عملی پیامبر (ص) و امامان (ع) موارد فراوانی از توجه ایشان به رشد عاطفی در این دوران وجود دارد (مطهری ۱۳۶۲: ۲۲۰ - ۲۲۱). در روایتی پیامبر (ص) می‌فرماید: «کودکان را دوست داشته باشید و به آن‌ها محبت کنید.» (کلینی ۱۳۴۲: ۴۹) و در روایت دیگری امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند به واسطهٔ مهربانی بسیار انسان به فرزندش به او مهربانی می‌کند.» (کلینی ۱۳۴۲: ۵۰). در مواردی بسیار و موقعیت‌های گوناگون پیامبر (ص) به بوسیدن کودک توصیه کرده و فرموده است: «بوسیدن کودک از سوی والدین موجب جلب پاداش الهی می‌شود و شاد کردن او موجب می‌شود که خداوند در قیامت والدین را شاد کند.» (کلینی ۱۳۴۲: ۴۹). بر اساس بررسی روایات اسلامی می‌توان گفت که هرچند پاداش‌های مادی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است، پاداش‌های معنوی در دوران کودکی از اهمیت بیشتری برخوردار است. این پاداش معنوی بر اساس اقتضای این دوره به صورت عاطفی از سوی والدین و مربیان صورت می‌پذیرد که رشد عاطفی- اجتماعی کودک را در پی دارد.

تنبیه

از دیگر شیوه‌های کاربردی در فرایند تربیت فرهنگی از دوران کودکی نهادینه کردن ارزش‌های فرهنگی به منظور رسیدن به توسعه پایدار سرمایه اجتماعی به وسیلهٔ روش تنبیه است. در تربیت اجتماعی روش تنبیه برای جلوگیری از خطای انسان است و نوعی ایمن‌سازی در برابر اشتباه اوست. تنبیه به معنای بیدار کردن و آگاه و هوشیار ساختن و ادب کردن است و روشی است برای شکوفایی استعدادها و فرهنگ‌پذیری کودک (رضایی اصفهانی ۱۳۹۳: ۲۵۱). روش تنبیه منحصر در

ضرب و شتم بدنی نیست. در اصل به کارگیری روش تنبیه هیچ گونه تردیدی نیست. اما، در کیفیت آن جای سخن است. بر اساس تحقیقات به عمل آمده کودکانی که کار اشتباهی انجام داده‌اند خود را مستحق تنبیهات غیربدنی می‌دانند؛ همانند قهر، تندی، مؤاخذه شدن. اما، هیچ‌گاه پذیرای تنبیه بدنی نیستند (Sanapo & Nakamura: 2011:39; Nixon & Halpanny 2010: 2). بنا بر نظر اندیشمندان تربیتی، تنبیه هنگامی اخلاقی است که به حُسن رفتار کودک لطمه‌ای وارد نسازد و کیفیت آن در حالات مختلف متفاوت است؛ مثلاً در زمانی که کودک دروغ می‌گوید از مناسب‌ترین تنبیه‌ها برخوردار سرد یا نگاهی مؤاخذه‌آمیز یا نادیده گرفتن خواسته‌های اوست (کانت ۱۳۹۲: ۱۳۱).

هرچند ائمه هیچ‌گاه کودکان و خدمت‌کاران خود را تنبیه نمی‌کردند، در منابع اسلامی روایاتی وجود دارد که در هفت سال دوم کودکی کتک زدن با هدف تربیت، آن هم به منزله راهکار تربیتی، مجاز دانسته شده است. امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «به آموزگار خود بگویند اگر برای ادب کردن شما بیش از سه ضربه زند، قصاص می‌شود.» (حرعاملی ۱۳۷۲: ۳۷۲). آموزه‌های دینی بر این موضوع تأکید دارند که اصل اولیه در تربیت بر روش تنبیه بدنی نیست و جز در موارد ضرورت، آن هم با شیوه‌ای خاص، صورت نمی‌پذیرد. امام موسی کاظم^(ع) به یکی از اصحابش، که از رفتار فرزندش به ستوه آمده بود، فرمود: «او را نزن؛ مدتی که طولانی نباشد با او قهر کن.» (مجلسی ۱۴۱۰: ۹۹). به نظر می‌رسد، با توجه به رشد اجتماعی کودکان در این عصر و مبتنی بر روایاتی که بر استفاده از شیوه‌های روزآمد تربیت دلالت دارد، می‌توان گفت نباید از تنبیه بدنی استفاده کرد. امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «فرزندان خود را به عادات و آداب خود مجبور نکنید. زیرا آن‌ها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده‌اند.» (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴: ۲۶۷). بنابراین یکی از عوامل مهم تربیت اجتماعی کودک و رسیدن به اهداف تربیتی و نهادینه کردن هنجارها و زدودن رفتارهای نادرست و تثبیت فرهنگ اجتماعی در او روش تنبیه غیربدنی است (مکارم شیرازی ۱۳۸۰: ۴۲۵).

کنترل‌مدار

چهارمین روش از شیوه‌های کاربردی در فرایند تربیت فرهنگی کودک کنترل است که به منزله راهکارهای نظارتی برای کنترل اجتماعی به کار می‌رود. خودکنترلی حالتی درونی در فرد است که بدون نظارت عامل بیرونی وظایف خود را انجام می‌دهد (الوانی ۱۳۹۸: ۱۳۴). یکی از راه‌های مهم

پیشگیری از انحراف درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده یک جامعه است که تثبیت این هنجارها و ارزش‌ها از کودکی در توسعه پایدار سرمایه اجتماعی نقشی بی‌مانند دارد؛ طوری که جامعه‌شناسان بر آن‌اند بین میزان فرهنگ‌پذیری و کاهش میزان انحراف و جرم در یک جامعه رابطه مستقیم وجود دارد و یکی از علل افزایش میزان انحراف فرهنگ‌پذیری ناقص افراد است. زیرا فرد بعد از پذیرش هنجارها، بدون تأمل و تفکر، رفتار متناسب با آن هنجار را البته نه از روی ترس از مؤاخذه دیگران که نوعی نظارت بیرونی تلقی می‌شود، بلکه به دلیل نوعی نظارت درونی ناخودآگاه انجام می‌دهد. از این رو، جامعه‌شناسان شکل‌گیری و ساخت شخصیت فرد را متأثر از فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری می‌دانند و می‌گویند: «از مهم‌ترین نتایج جامعه‌پذیری ایجاد شخصیت فردی و الگوهای نسبتاً ثابت فکر، احساس، و عمل است که همگی ویژگی‌های یک فرد محسوب می‌شوند.» (رابرتسون ۱۳۷۴: ۱۱۲).

نظریه کنترل‌مدار ریشه هنجارشکنی فرهنگی و اجتماعی افراد را فریب خوردن و عدم همراهی با جامعه می‌داند و به هر میزان که افراد توسط نهادهای نظارتی جامعه به صورت رسمی و غیررسمی و درونی و بیرونی کنترل نشوند انحراف اجتماعی شکل می‌پذیرد (قاسمی ۱۳۸۱: ۹۳). با توجه به گستردگی روابط اجتماعی، مهم‌ترین کنترل رسمی از انحرافات اجتماعی را خانواده بر عهده دارد و با توجه به تحولات آزادی‌گرایانه این عصر دیگر کنترل‌های غیررسمی اثربخش نیستند (ولد و همکاران ۱۳۹۸: ۲۶۷). کنترل‌مداری در نهاد خانواده به دو صورت درونی و بیرونی است. در صورت پیوند افراد خانواده در عقاید، همکاری، پیمان، و وابستگی کنترل درونی صورت می‌پذیرد (صدیق سروستانی ۱۳۹۸: ۵۲) و در صورت پیوند افتراقی فرد از طریق کنش دوسویه اجتماعی که در گروه دوستان وجود دارد، کنترل بیرونی اتفاق می‌افتد که نقش خانواده در این کنترل از اهمیت بالایی برخوردار است (گیدنز ۱۳۹۷: ۳۰۴).

آموزه‌های دینی برای مقابله با انحرافات اجتماعی کودکان دامنه شیوه کنترل‌مدار را وسیع‌تر می‌داند. در این طرز فکر، خداوند بیننده همه رفتارهای کودک است و به همه رفتارهای اجتماعی او علم دارد: «هر جایی که باشید خدا همراه شماست و به هر کاری دست زیند بیناست.» (حدید/ ۴). مبتنی بر منابع دینی، نهاد خانواده نقشی ویژه‌تر از سایر موارد کنترلگر دارد. قرآن می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخ نگه دارید.» (تحریم / ۶). در تفسیر این آیه روایت شده است: «ابوبصیر از امام صادق^(ع) پرسید: چگونه خانواده را باید از آتش نگه داشت؟ فرمود: آن‌ها را به انجام آنچه خدا فرمان داده است فرمان دهی و از آنچه خدا منعشان فرموده است منع کنی. اگر از تو اطاعت کردند، آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانی‌ات کردند، تو وظیفه‌ات را انجام داده‌ای.» (ابن شعبه ۱۳۹۹: ۲۳۷). در آموزه‌های اسلامی نظارت بر رفتار و کردار اعضای خانواده از باب امر به معروف و نهی از منکر لازم است. این دعوت به نیکی و بازداشتن از بدی شامل هر یک از دو نحوه کنترل درونی و برونی کودک می‌شود و نهاد خانواده وظیفه دارد نقش کنترلی خود را در رفتارهای اجتماعی کودک اجرا کند. تشویق به شرکت در مراسم مذهبی برای رشد اجتماعی کودک و ممانعت از رفتن او به محیط‌های نامناسب از جمله نقش‌های نظارتی و کنترلی خانواده برای تقویت فرهنگ اجتماعی است.

آموزش مهارت‌های اجتماعی

آموزش مهارت‌های اجتماعی پرکاربردترین ابزار فرایند اجتماعی شدن است و موجب درک ارزش‌های اجتماعی و پایبندی به آن در توسعه پایدار سرمایه اجتماعی است (Rashid 2010: 69). مهارت‌های اجتماعی به معنای فراگیری رفتارهایی است که فرد را بر تعامل مثبت قادر می‌سازد (Little & Swangler 2017: 9). آموزش این مهارت‌ها سبب می‌شود کودکان در موقعیت‌های اجتماعی رفتارهای تعاملی مطلوبی را که ریشه در بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد انجام دهند. کمک به دیگران و شرکت در کار گروهی از این موارد است (گرمارودی و وحدانی‌نیا ۱۳۸۵: ۱۴۷). مهم‌ترین مرکز آموزش مهارت‌های اجتماعی در دوران کودکی خانواده است. این نهاد به منزله اولین محیط اجتماعی کودک و وظیفه آموزش این مهارت‌ها را برای فرهنگ‌پذیری و اجتماعی شدن کودکان بر عهده دارد (Gurbuz & Kiran 2018: 95).

یکی از راه‌های انتقال و آموزش این مهارت‌ها به صورت آموزش زبانی و کلامی است که می‌توان گفت خانواده در دوران کودکی اول به‌تنهایی این نقش را ایفا می‌کند و در دوران دوم کودکی نیز اگرچه سایر نهادهای آموزشی می‌توانند این نقش را ایفا کنند، همچنان نقش خانواده و والدین بی‌بدیل است (Gokel & Dagli 2017: 7365).

دوره کودکی بر اساس سیره معصومان^(ع) دوره آموزش و تعلیم است. در این مرحله آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی برای تثبیت فرهنگ دینی و تبدیل آن به یک سرمایه اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. بر اساس آموزه‌های دینی تعلیم و آموزش کودکان مسئله‌ای غریزی نیست که والدین بدون آموزش به آن دست زنند، بلکه تربیت دینی کودک برای ورود به عرصه‌های اجتماعی نیازمند آموزش‌های کافی است. آموزه‌های دینی نیز فطری بودن این آموزه‌های اجتماعی را در تربیت دینی کودک مورد توجه قرار داده است. پیامبر^(ص) می‌فرماید: «هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید و پرورش می‌یابد.» (مجلسی ۱۴۱۰: ج ۳، ۲۸۱).

هنجارهای اجتماعی همان‌طور که به وسیله الگوی رفتاری قابل انتقال است قابلیت آموزش کلامی و مفهومی نیز دارد. آموزه‌های دینی، مبتنی بر فطرت، آموزش این مهارت‌ها را ضروری می‌داند:

- انسان دوستی: اگر فعالیت‌های اجتماعی و تعاملی مبتنی بر محبت و نوع دوستی شکل گیرد، تعامل اجتماعی مطلوب حاصل خواهد شد. امام باقر^(ص) می‌فرماید: «دین محبت است و محبت همان دین است.» (مجلسی ۱۴۱۰: ۲۳۸).

- رعایت حقوق دیگران: آموزش صحیح وظیفه‌شناسی و احترام به حقوق دیگران باعث می‌شود کودک از همان ابتدا فردی قانونمند شود و فراگیری آن یکی از موارد مهم رعایت قوانین اجتماعی در آینده است. «مبادا بر حقّ یک‌دیگر تجاوز نمایند که این از سرشت نیکان نباشد.» (مجلسی ۱۴۱۰: ۲۹۳).

- وفای به پیمان: این رکن اخلاقی علاوه بر اینکه شخصیت کودک را تقویت می‌کند آثار شگرفی در تعاملات اجتماعی دارد و پیوندهای اجتماعی را مستحکم می‌کند. امام باقر^(ع) می‌فرماید: «وفای به عهد و پیمان در مواجهه با خوش‌کردار و بدکردار، ۳- احسان به پدر و مادر چه خوش‌کردار باشند و چه بدکردار.» (کلینی ۱۳۴۲: ۱۶۲).

- فروتنی: از مهارت‌هایی است که فضیلت اجتماعی به حساب می‌آید و در مقابل آن خودپسندی است که موجب منزوی شدن فرد در تعاملات اجتماعی می‌شود. امام صادق^(ع)

می‌فرماید: «به همان مقدار که تکبر زشت و بد است تواضع و فروتنی بسیار پسندیده است.» (کلینی ۱۳۴۲: ۳۰۹).

- بردباری: مهارتی است که به وسیله آن قدرت تحمل دیگران بالا می‌رود و تعاملات اجتماعی مستحکم‌تر می‌شود. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «مؤمن بردباری است که نادانی نوزد و اگر نسبت به او نادانی ورزند، بردباری کند.» (مجلسی ۱۴۱۰: ۱۸۹).

- راستگویی: ارزش مهم اخلاقی- اجتماعی است که موجب آرامش و اعتماد در روابط اجتماعی است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «مردم را با راستگویی و تقوا به نیکوکاری دعوت کنید.» (کلینی ۱۳۴۲: ۱۶۲).

- حیا و عفاف: نقش بارزی در هنجارهای اجتماعی کودک دارد و عامل مهمی در روابط اجتماعی سالم است. پیامبر^(ص) می‌فرماید: «خداوند دوست‌دار آدم حیادار و پاک‌دامن است.» (کلینی ۱۳۴۲: ۱۷۴).

تعلیم و آموزش و شکل‌گیری فرهنگ دینی از زمان به دنیا آمدن کودک شروع می‌شود. گفتن اذان و اقامه در گوش کودک نمونه‌ای از این تعالیم است. اما آموزش این مهارت‌ها با ورود کودک به دوره پنج‌سالگی با توجه به رشد کودک و با توجه به اصل تفاوت در فهم و درک کودکان آغاز می‌شود. زیرا آن‌ها در این مرحله از نظر میزان یادگیری با یک‌دیگر متفاوت‌اند. آموزه‌های دینی این تفاوت‌ها را به رسمیت می‌شناسد و با آزمون‌های متفاوت به رشد کودکان پی برده می‌شود. «راستت از چیست کدام است؟» پاسخ درست کودک به این پرسش حاوی این مطلب است که او دوره رشد پیشین را پشت سر گذاشته است و آماده فراگیری این مهارت‌هاست. همچنین در حدیثی دیگر چنین آمده است: «کودک خود را تا شش‌سالگی فرصت دهید. سپس او را در یادگیری کتاب به مدت شش سال تربیت کنید.» (حرعاملی ۱۳۷۲: ۱۹۳). آموزه‌های اسلام در زمینه‌های تشریحی نیز تفاوت بین کودکان را در مرحله فراگیری به رسمیت می‌شناسد. در این مورد می‌توان به مسئله اقامه نماز میت برای کودک از دنیارفته پنج‌ساله اشاره کرد. از حضرت صادق^(ع) سؤال شد: «آیا اگر کودک پنج‌ساله‌ای بمیرد، باید نماز میت بر او خواند؟» حضرت فرمود: «اگر نماز را می‌فهمید و درک می‌کرد، بر او نماز خوانده شود.» (حرعاملی ۱۳۷۲: ۸۲).

هرچند در دوره دوم کودکی (هفت سال دوم) نهادهای آموزشی در کنار والدین نقش آموزش کودکان را عهده‌دارند، همچنان والدین مهم‌ترین نقش آموزشی را ایفا می‌کنند. این نکته حائز اهمیت است که آموزش مفاهیم دینی باید بر اساس توانایی‌های ذهنی کودک باشد. اگرچه یاد دادن این مفاهیم بسیار پسندیده است، نباید موجب اختلال در یادگیری و دلسردی کودک شود. بنابراین، نتیجه مطلوب زمانی حاصل می‌شود که روش‌های آموزش صحیح به کار گرفته شود. امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «هیچ حرکتی نیست مگر اینکه انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد.» (مجلسی ۱۴۱۰: ۲۶۷).

نتیجه

بر اساس آنچه در این پژوهش بیان شد، مفهوم سرمایه اجتماعی از مجموعه‌ای از هنجارها تشکیل شده است که این هنجارها افراد را وادار می‌کند برای منافع عموم فعالیت کنند. مفهوم توسعه پایدار فرهنگ دینی از دوران کودکی به این معناست که تربیت فرهنگی کودک مبتنی بر نظام اعتقادات و ارزش‌های جامعه دینی باشد که بر این اساس سرمایه اجتماعی به وجود می‌آید و انحرافات اجتماعی در محیط جامعه کنترل می‌شود. در این چارچوب نظری، آموزه‌های اسلامی برای تثبیت فرهنگ دینی کودک (آغاز تولد تا چهارده سالگی) پنج شیوه ارائه می‌دهد:

- شیوه ارائه الگو (الگودهی و الگوزدایی): بر اساس بررسی منابع اسلامی می‌توان گفت الگوزدایی به اندازه الگودهی اهمیت دارد. الگو و ضدالگو بر اساس درک کودک به او فهمانده شود تا کودک با این نحوه ادراک درباره الگو یا ضدالگو بودن والدین و معلمان و دوستان دچار تضاد الگویی نشود.

- شیوه پاداش معنوی: این روش به مقتضای رفتار کودک صورت می‌پذیرد. این پاداش به صورت عاطفی از سوی والدین و مربیان ارائه می‌شود که علاوه بر ایجاد رغبت و انگیزه، رشد عاطفی- اجتماعی کودک را نیز در پی دارد.

- شیوه تنبیه: تنبیه صرفاً به صورت غیربدنی و با توجه به اهداف تربیتی صورت می‌پذیرد. با توجه به رشد اجتماعی کودکان در این عصر، در هیچ سنی در دوره کودکی از تنبیه بدنی استفاده

نمی‌شود و بر اساس آموزه‌های دینی تنبیه غیربدنی که مبتنی بر شیوه‌های روزآمد تربیتی است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- شیوه آموزه‌های اسلامی در تثبیت فرایند تربیت اجتماعی و عدم انحراف اجتماعی کنترل‌مدار است. در این شیوه، خداوند نیز در مقام کنترل‌گر اعمال و رفتارهای اجتماعی را شاهد و ناظر است. مهم‌ترین وظیفه کنترل‌گری بیرونی و درونی کودک در عصر امروز بر عهده نهاد خانواده گذاشته شده است.

- شیوه آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب رفتارهای تعاملی مطلوب کودک می‌شود. آموزش زبانی و کلامی این مهارت‌ها از هنگام رشد کودک (شش‌سالگی) صورت می‌پذیرد. هرچند نهادهای اجتماعی در آموزش چنین مهارت‌هایی مسئولیت دارند، خانواده اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. شیوه آموزش مهارت‌های اجتماعی شامل نوع دوستی، رعایت حقوق دیگران، وفای به عهد، فروتنی، بردباری، راستگویی، و حیا و عفاف است.

منابع

قرآن

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ج ۲۰.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۹۹). تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ فی آل الرسول، قم مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
۳. ازکیا، مصطفی (۱۳۹۴). توسعه پایدار روستایی، تهران، اطلاعات.
۴. ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا غفاری (۱۳۹۵). تهران، جامعه‌شناسی توسعه، چ ۱۲، کلمه.
۵. الوانی، مهدی (۱۳۹۸). مدیریت عمومی، چ ۵۶، تهران، نی.
۶. امینی، ابراهیم (۱۳۶۸). آیین تربیت، تهران، اسلامی.
۷. اناری‌نژاد، عباس (۱۳۸۶). «تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه»، تربیت اسلامی، ش ۱۴، صص ۱۶۳ - ۱۹۲.
۸. اولسون، متیو؛ بی. آر. هرگنهان (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، مترجم: علی اکبر سیف، تهران دوران.
۹. بهشتی، سید محمد؛ علی رضا اعرافی؛ محمد فتح علی خانی؛ علی رضا فصیحی زاده؛ علی نقی فقیهی (۱۳۹۷). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، سمت.
۱۰. تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی، و توسعه)، مترجم: افشین خاکباز و حسن پویان، چ ۳، تهران، شیرازه.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مترجم: محمدعلی انصاری قمی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۹۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲). وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، قم، اسلامیه، ج ۲ و ۱۱ و ۱۵ و ۲۸.
۱۴. حیدری، مسعود؛ رضانی، فاطمه (۱۳۹۱). «روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ش ۳۳، صص ۱ - ۱۹.

۱۵. خاکباز، عظیمه سادات (۱۳۹۱). «تبیین دانش محتوایی- تربیتی در برنامه درسی آموزش عالی؛ مورد مطالعه: رشته ریاضی»، پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). *دولت آفتاب*، تهران، خانه اندیشه جوان.
۱۸. رجبی، علی؛ سمیرا احمدی نیاسر (۱۳۹۷). «تهدیدات تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای قرآنی و روایی»، *پژوهش های نوین در آموزه های قرآن و سنت*، ۳۲ (۱)، صص ۷۵ - ۱۰۶.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۳). *قرآن و تربیت اجتماعی کودک*، مرکز تحقیقاتی قرآن کریم، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم.
۲۰. زارعیان، حسن (۱۳۹۰). *مهارت های تربیتی*، تهران، مؤسسه فرهنگی - تربیتی اشاره.
۲۱. ساروخانی، باقر (۱۳۹۰). *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان.
۲۲. سریع القلم، محمود (۱۳۶۹). *توسعه، جهان سوم، و نظام بین الملل*، تهران، سفیر.
۲۳. شارع پور، محمود (۱۳۹۴). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، چ ۳، تهران، سمت.
۲۴. صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۹۸). *آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)*، چ ۱۰، تهران، سمت.
۲۵. ضرابی، اصغر؛ مهری اذانی (۱۳۸۰). «توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه»، *رشد آموزش جغرافیا*، ش ۵۹، صص ۱۰ - ۱۷.
۲۶. عبدلی، ناهید (۱۳۸۹). «انسان شناسی دوران کودکی»، *سایت انسان شناسی و فرهنگ*، تهران، سفیر.
۲۷. عظیمی، حسین (۱۳۷۰). *توسعه و فرهنگ*، تهران، نی.
۲۸. عمید، حسن (۱۳۵۹). *فرهنگ لغت فارسی*، تهران، سید.
۲۹. فلسفی، محمدتقی (۱۳۵۲). *گفتار فلسفی بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات*، تهران، هیئت نشر معارف.
۳۰. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، مترجم: سعید شریعتی، تهران، جامعه ایرانیان.
۳۱. قاسم زادگان جهرمی، حمید (۱۳۹۰). «آموزه های علوم تربیتی در سینمای کودک و نوجوان ایران»، *رشد آموزش هنر*، ش ۲۶، صص ۴۵ - ۵۱.

۳۲. قاسمی‌روشن، ابراهیم (۱۳۸۱). «اعتیاد، علل و پیامدهای اجتماعی»، معرفت، ش ۵۶ (۱ صفحه - از ۸۸ تا ۹۷).
۳۳. کاظمی، احسان (۱۳۸۹). *شهروندی، از اصول تا عمل* (مجموعه مقالات)، سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
۳۴. کانت، امانوئل (۱۳۹۲). *تعلیم و تربیت*، مترجم: غلام‌حسین شکوهی، دانشگاه تهران. ج ۵.
۳۵. کانون پرورش فکری (۱۳۹۴). <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/12/22/1026146>. تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱.
۳۶. کریمی، زهرا (۱۳۷۲). «نقدی بر کتاب استراتژی درون‌زا»، کتاب توسعه، ش ۵.
۳۷. کریمی، مرضیه؛ سیمین درویش‌نوری؛ هلن هروی (۱۳۹۸). «بررسی رابطه سرمایه‌های اجتماعی، تعهد سازمانی، و رفتار فرانششی در محیط زیست»، *مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار*، ش ۱۶، صص ۱ - ۶.
۳۸. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نی.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۲). *الکافی*، قم، المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع، ج ۲ و ۳ و ۸.
۴۰. ریچاردتی، گیل، مترجم بنی‌زاده؛ محمود (۱۳۶۷). *توسعه اقتصادی: گذشته و حال*، تهران، گستره.
۴۱. گرمارودی، غلام‌رضا؛ مریم‌سادات وحدانی‌نیا (۱۳۸۵). «سلامت اجتماعی؛ بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان»، *پایش*، ۵ (۲)، صص ۱۰ - ۱۶.
۴۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی*، مترجم: حسن چاوشیان، تهران، نی.
۴۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰). *بحار الأنوار*، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت، لبنان، ج ۱ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۵ و ۴۰ و ۷۵ و ۷۷ و ۱۰۴.
۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). *سجاده‌های سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، الزهرا.
۴۶. _____ (۱۳۷۰). *نظام حقوق زن در اسلام*، قم، صدرا.
۴۷. _____ (بی‌تا). *آشنایی با علوم اسلامی (کلام و عرفان)*، قم، صدرا.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱.

۴۹. ملکوتی فر، ولی الله (۱۳۸۸). تربیت در نهج البلاغه، تهران، امید مهر.
۵۰. ملکی، حسن (۱۳۹۴). «فرهنگ و برنامه ریزی درسی» (معلم و برنامه ریزی درسی)، رشد معلم، ش ۲۱۲، صص ۲۲ - ۲۹.
۵۱. منوچهری، سوران؛ حسین فراهانی (۱۳۹۵). «جغرافیا و توسعه پایدار؛ تحقق توسعه پایدار؛ اهمیت آموزش و پرورش» (آموزش توسعه ای)، رشد آموزش جغرافیا، ۳۱ (۱۱۶)، صص ۳۷ - ۴۳.
۵۲. مونتی پالمرو و همکاران (۱۳۶۷). نگرشی جدید به علم سیاست، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۵۳. نظریور، محمدنقی (۱۳۷۸). ارزش ها و توسعه، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۴. نهج البلاغه (بی تا). مترجم: محمد دشتی، قم، نشر ظهور شفق.
۵۵. هاشمی، سید احمد؛ نازیلا بقایی؛ زهرا رسالت پیشه (۱۳۹۸). «تأثیر فرهنگ در برنامه ریزی درسی»، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۲۲ (۴)، صص ۶۳ - ۷۶.
۵۶. ولد، جرج؛ توماس برنارد؛ جفری اسنیس (۱۳۹۸). جرم شناسی نظری ولد، مترجم: علی شجاعی، تهران، سمت.
۵۷. یان، رابرتسون (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه، مترجم: حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی.

References

1. According to the attitudes of their mothers”, *Journal of education and training studies*, No 3. (in English)
2. Ellis, A., (1964). *If this be heresy ... Is pornography harmful to children?*, in *The Realist*, Issue No. 47 - February, 1964 { Page 17 }. (in English)
3. Alini, M. & Ghaffari, Gh. (2015). “Conceptual Analysis of the Structure of Social Capital in Imam Ali's Theology”, *Quarterly Journal of Islam and Social Studies*, 2(4), pp. 92-120. (in English)
4. Alivardinia, A., Sharapour, M., & Varmziar, M. (2008). “Family Social Capital and Delinquency”, *Women's studies Quarterly*, 6(2), pp. 107-132. (in English)
5. Banai, A. H., Zareie-Matin, H., & Mazinani, S. (2020). “A systematic View to concept of social capital: what is? Why and how”, *Social capital management*, 6(1), pp. 59-84. (in Persian)
6. Bandura, A. & Barbaranelli, C. (1996). “Multifaceted impact of self-efficacy beliefs on academic functioning”, *Child Development*, 67 (3), pp. 1206-1222.
7. Beheshti, A. (1982). *Family in the Quran*, Qom, Tariqat al-Quds. (in Persian)
8. Bossel, H. (2001). *Indicators for Sustainable Development: Theory, Method, Applications*, A Report to the Balaton Group, international institute for sustainable development (IISD). (in English)

9. Bostan, H. (2006). *Islam and Gender Differences*, Qom, Research Institute of Hawzah and University. (in Persian)
10. Bostan, H. (2009). *Islam and Family Sociology*, Qom, Research Institute of Hawzah and University. (in Persian)
11. Bostan, H. (2013). "Theoretical Attempt to Build an Islamic Model of Family Stability", *Women and Family Studies*, 1(1), pp. 69-98. (in Persian)
12. Bourdieu, P. (2009). *Theory of Action*, Morteza Mardiha (Translator), Tehran, Naghsh va Negar Publications. (in Persian)
13. Chalabi, M. (1999). *Sociology of Order: Theoretical Analysis of Social Order*, Tehran, Ney Publishing. (in Persian)
14. Coleman, J. (1988). "The creation and destruction of social capital, Implications for the law", *Notre dame journal of law, ethics and public policy*, Vol. 3. (in English)
15. Collins, A. (2019). *Development during Middle Childhood*, National Academy Press.
16. Wiley, J. Experience, January (2011). *Child Abuse Review*, 20(1), pp. 39-56.
17. Faghihi, A. & Feizi, T. (2006). "Social capital in the organization", *Peyk Noor Journal*, 3(11), pp. 34-40. (in English)
18. Fazel, R., Soleimani, M., & Rashidi, R. (2012). "Family Social Capital issues, social capital: the individual, society and the state, Sydney, center for independent studies pages 95-100. (in English)
19. Fild. J. (2008). *Social capital*, Gholamreza Ghaffari (Translator), Tehran, desert Publishing. (in English)
20. Fukuyama, F. (2001). *End of order - social capital and its preservation*, Ghulam-Abbas Tawassul (Translator), Tehran, Iranian Society Publishing. (in English)
21. Giddens, A. (1996). *Sociology*, Manouchehr Sabouri (Translator), Tehran, Ney Publishing. (in English)
22. Gokel, O. & Dagli Gokmen (2017). "Effects of Social Skill Training Program on Social Skills of Young People", *Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, No. 11, pp. 7365-7373. (in English)
23. Gurbuz, E. & Kiran, B. (2018). *Research of skills of children who attend to kindergarten*. (in English)
24. Harandi, A. (2016). "Explain the role of social capital and knowledge transfer in organizational learning of knowledge-based companies", *technology development management*, 1(4), pp. 161-182. (in English)
25. Herskovits, M. J. (2011). *Schooling as a Ritual Performance: Towards a Political Economy of Educational Symbols and Gestures*, London, Routledge & Kegan paul. (in English)
26. Ibn-Faris, A. (1984). *Dictionary of Comparative Language*, Qom, Islamic Media Office. (in Arabic)
27. Ibn-Manzoor, M. I. M. (1994). *Language of the Arabs*, Beirut, Dar al-Fikr. (in Arabic)
28. Jafari, M., Fattah, Sh., & Ghorbanizadeh, V. (2012). "Social capital model, its dimensions and characteristics in Greater Tehran police stations", *Disciplinary management research*, 7(3), pp. 370-396. (in Persian)
29. Javadi-Amoli, A. (2008). *Woman in the Mirror of Beauty and Glory*, Qom, Esra Publishing Center. (in Persian)

30. Karimi, M., Khanifar, H., & Taheri-Nejad, F. (2015). "Designing a Conceptual Model of Social Capital Components from an Islamic Perspective", *Social Capital Management*, 2(4), pp. 605-630. (in Persian)
31. Khosrowpanah, A. (2017). *Islamic Humanology*, Qom, Maaref Publishing. (in Persian)
32. Kohlberg, L. (1963). "The development of children's orientations toward a moral order: I. Sequence in the development of moral thought", *Vita Humana*, 6(1-2), pp. 11-33. (in English)
33. Koohkan, A. (2008). "Components of Islamic Social Capital", *Journal of Development Strategy*, 17, pp. 124-141. (in English)
34. Darling-Hammond, L., Flook, L., Cook-Harvey, Ch., Barron, B., & Osher, D. (2020). "Implications for educational practice of the science of learning and development", *Applied Developmental Science*, 24(2), pp. 97-140. (in English)
35. Little, S. G. & Swangler, J. (2017). "Defining social skills", *Akin-Little and Little Behavioral Psychology*, pp. 9-17. (in English)
36. Makarem-Shirazi, N. (1993). *Sample Interpretation*, Tehran. Dar Al-Kotob Al-Eslami. (in Persian)
37. Mohammadi, H. & Mousavi-Moghadam, S. M. (2019). "Explaining the components of social capital based on the narrations regarding reciprocal relations in the book Mafatih al-Hayat", *Social Capital Management*, 5(2), pp. 187-212. (in Persian)
38. Motahari, M. (1990). *The Legal System of Women in Islam*, Tehran, Esra Publishing Center. (in Persian)
39. Mustafavi, H. (1990). *Investigation of the words of the Qur'an*, Tehran, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance. (in English)
40. Nahapiet, J. & Ghoshal, S. (1998). "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage", *Journal of Academy of Management Review*, 23(2), pp. 242-266. (in English)
41. Nixon, E. & Halpanny, A. (2010). "Children's Perspectives on Parenting Styles and Discipline: A Developmental Approach", *Office of the Minister for Children & Yuth*, pp. 1-96. (in English)
42. Notron, A. (1997). *Social capitl and civill society: some definitional issues, social capital: the individual, society and the state*, Sydney, center for independent studies. (in English)
43. Portes, A. (1998). "Social Capital: Its origins and applications in modern sociology", *Annual Review of Sociology*, 24, pp. 1-24. (in English)
44. Ragheb-Isfahani, H. (1992). *Glossary of Quranic Words*, Beirut, Dar al-Qalam. (in Arabic)
45. Rashid, T. (2010). "Development of Social Skills among Children at Elementary Level", *Bulletin of Education and Research*, No. 1, pp. 69-78. (in English)
46. Renzetti, C., Curran, D., & Maier, Sh. (2012). "Women, Men, and Society", *Pearson*, pp. 78-79. ISBN 978-0-205-86369-3. (in English)
47. Rouhani, H. (2011). "Family, the cornerstone of social capital", *Strategy Quarterly*, 59, pp. 7-46.
48. Sadr, S. M. B. *Quranic School*, Beirut, Dar al-Ta'rif. (in Arabic)

49. Safiri, Kh. (2015). "The relationship between family social capital and youth social health", *Social Work Quarterly*, 4(3), pp. 17-50. (in English)
50. Sanapo, M. S. & Nakamura, U. (2011). *Gender and Physical Punishment: The Filipino Children's*, *Child Abuse Review*, 20(1), 39-56. (in English)
51. Seunghwan, M. & Hyungjun, S. (2016). "Which type of social capital matters for building trust in government? Looking for a new type of social capital in the governance era", *Journal of Sustainability*, 8(322), pp. 1-15. (in English)
52. Sharapour, M. (2005). "Social Capital and Its Role in Social and Economic Life", *Journal of Social Science Education Growth (Special Issue on Social Capital)*, 9(2), pp. 10-16. (in Persian)
53. Shojaee-Baghini, M. M. (2009). *Conceptual foundations of social capital*, Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
54. Tabatabai, M. (1970). *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Beirut, Aa'lami Publishing. (in Arabic)
55. Tabatabai, M. (2018). *Woman in the Quran*, Qom, Hajar Publishing Center. (in Persian)
56. Yamaguchi, I. (2013). "A Japan-US cross-cultural study of relationships among team autonomy, organizational social capital, job satisfaction, and organizational commitment", *International Journal of Intercultural Relations*, 37(1), pp. 58-71. (in English)
57. Zareie-Matin, H., Behzad, M., & Saeid, M. (2017). *Social capital management*, Tehran, Kind book Publishing. (in Persian)